

## کاهش فاصله ترامپ با کلینتون در تازه‌ترین نظرسنجی

تازه‌ترین نظرسنجی انجام شده توسط رویترز و مؤسسه "ای پاز" نشان می‌دهد که در هفته‌ی گذشته فاصله بین دونالد ترامپ، نامزد حزب جمهوری‌خواه با هیلاری کلینتون، نامزد حزب دموکرات کاهش یافته است. به گزارش رویترز، براساس نظرسنجی انجام شده توسط این دو مؤسسه بین ۱۴ اکتوبر تا ۲۰ اکتوبر، خانم کلینتون با ۴۴ درصد در مقابل دونالد ترامپ با ۴۰ درصد پیش‌تاز است. در حالی فاصله این دو نامزد به ۴ درصد رسیده است که براساس نظرسنجی‌های انجام شده در فاصله‌ی زمانی بین ۷ تا ۱۳ اکتوبر، کلینتون با ۴۴ درصد در مقابل ترامپ با ۳۷ درصد پیش‌تاز بود. رویترز، همچنین می‌گوید، شعار آقای ترامپ درباره‌ی "تغییر" در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که در هشتم نوامبر برگزار می‌شود بر طرفداران حزب جمهوری‌خواه اثر گذاشته است. در همین زمینه دونالد ترامپ شامگاه جمعه (۲۱ اکتوبر) در توئیتر خود نوشته است: در حالی که سه نظرسنجی از پیش‌تازی من در انتخابات خبر می‌دهند، رسانه‌ها از پرداختن به این موضوع خودداری می‌کنند. یک دستیار نامزد حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست جمهوری گفته است، آقای ترامپ در این سخنرانی برنامه خود در صد روز اول در کاخ سفید را تشریح خواهد کرد. به گزارش رویترز، انتشار نوار اظهارات جنجالی آقای ترامپ در سال ۲۰۰۵ که درباره‌ی زنان حرفه‌ها رکیک بر زبان می‌آورد، برنامه‌ی انتخاباتی نامزد حزب جمهوری‌خواه را وارد بحران کرد. پس از آن شماری از زنان ادعاهایی در خصوص آزار جنسی توسط آقای ترامپ مطرح کردند که وی این ادعا را رد کرده است.

سال سوم، یکشنبه، ۲ عقرب ۱۳۹۵ هجری خورشیدی، ۲۳ اکتوبر ۲۰۱۶

شماره‌ی ۱۰۴

افغانستان

هفته‌نامه

# صدای مردم

## بازی با تروریزم افغانی



بگم کوهبندی

در این اواخر مایوسی ایالات متحده از همکاری پاکستان و همسویی اخیر آن با کشور هند، که پیش از این هیچ‌گاه تا این حدود هماهنگ نبودند، پاکستان را به شدت خشمگین ساخته است. تبارز این عصبیت که در داخل افغانستان به توسعه‌ی درگیری‌ها و در برون از کشور به تشدید حملات تندروان اسلامی، در کشمیر متعلق به هند و یا یکی از اضلاع گروه سه جانبه انجامید، به خوبی نشان داد که آن کشور خواهان حل منازعه‌ی کشمیر در کنار حل مسئله‌ی افغانستان بوده و این دو منازعه را دو روی یک ورق دانسته و از هم تفکیک نمی‌نماید.

۳

### درگیری نظامیان با جنگجویان داعش در ننگرهار

مقام‌های محلی ولایت ننگرهار در شرق کشور اعلام کردند که نبرد شدید میان نظامیان افغان و جنگجویان داعش در مربوطات ولسوالی پچیراگام این ولایت جریان دارد و تا کنون تلفات سنگینی به اعضای داعش وارد شده است.

این درگیری پس از آن آغاز شد که گروهی از جنگجویان داعش حوالی صبح روز جمعه بر ولسوالی پچیراگام حمله کردند و این حمله با واکنش نیروهای امنیتی، ارتش ملی و نیروهای خیزش مردمی مواجهه شد. دفتر مطبوعاتی قوماندانی امنیه ننگرهار با انتشار خبرنامه‌ی گفته است که روز گذشته حملات هوایی نظامیان افغان جنگجویان داعش را هدف قرار داد که در نتیجه ۵۴ داعشی کشته شدند. از سویی هم گفته شده که افراد داعش در مربوطات ولسوالی پچیراگام نیروهای خیزش مردمی و خانه‌های مسکونی را مورد هدف قرار داده و ده‌ها خانه را به آتش کشیده‌اند. در همین حال عطاالله خوگیا، سخنگوی والی ننگرهار گفته است که افراد داعش ۴ غیرنظامی را کشته و بیش از ۳۰ تن دیگر را زخمی کرده‌اند.

خوگیا گفت: در این جنگ بیش از سی غیر نظامی زخمی، چهار تن شهید و بیش از ۳۰ خانه شان سوخته شده است، اما جنگ هنوز هم ادامه دارد.

### آموزش قوای هوایی افغانستان توسط نیروهای ناتو

نیروهای ناتو، قوای هوایی افغانستان را برای کاهش تلفات غیرنظامیان و حمله‌ی دقیق روی اهداف زمینی آموزش می‌دهند. خبرگزاری رویترز به نقل از اندی جانسن، مشاور نظامی امریکایی نوشته است که حفظ ارتباط و معلومات‌دهی میان نیروهای تکنیکی (افراد نظامی مستقر در زمین) و پیلوت برای هدف قرار دادن مواضع دشمن، حیاتی است. به همین منظور قوای هوایی افغان از سوی نیروهای ناتو آموزش می‌بینند. بر بنیاد گفته‌های این مشاور امریکایی هدف‌گیری مؤثر نیروهای هوایی با تیم تکنیکی موجود در زمین قابل تحقق است و نیروهای هوایی از فضا تصویر متفاوت نسبت به آنچه در زمین اتفاق می‌افتد، دارند.

بر بنیاد گزارش‌های رسمی پس از افزایش جنگ و درگیری در سال روان میلادی، تلفات غیرنظامیان ناشی از حملات هوایی نیز سیر صعودی داشته است و حدود ۱۳۳ نفر کشته و ۱۶۰ تن دیگر زخمی شده‌اند که این رقم ۷۲ درصد افزایش تلفات را نسبت به سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد. در حال حاضر حدود ۶۰ نفر در سطوح مختلف از سوی نیروهای ناتو آموزش می‌بینند و امیدواری‌هایی وجود دارد که این رقم تا ماه مارچ سال آینده به ۱۰۰ نفر برسد.

این در حالی است که نیروهای ناتو، پس از ختم مأموریت جنگی‌شان در افغانستان، مسئولیت‌های نظامی را به نیروهای افغان تسلیم کرده‌اند.

آزاد

## پیرامون جنبش‌های سیاسی موجود



دستگاه رهبری این جنبش‌ها، که همانا طبقه‌ی حاکم همان اقوام و ملیت‌ها را تشکیل می‌دهند، تاکنون هیچ‌کدام به گونه‌ی رسمی از داعیه‌ی قومی‌شان به حمایت نپرداخته، اما مطالبات قومی‌شان، به شکل سنجیده و با پوشش از القات قانونی و دینی بیان گردیده است. احزاب و نیروهای تأثیرگذار سیاسی که هم اکنون یا در رأس هرم قدرت و یا به شکل مخالف مسلح در مقابل آن قرار دارد، هیچ‌کدام بدون پسوند کلمه‌ی "اسلامی" نیست. عده‌ی از احزاب و نیروهای سیاسی، که در ظاهر امر از لحاظ رسمیت ثبت دفاتر رسمی دولتی گردیده ولی فاقد پسوند اسلامی‌اند؛ هیچ‌کدام در عمل کاربرد بالقوه و بالفعل در میدان سیاست‌گذاری‌های کلان ندارند. صفحه‌ی ۳

پیش از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ ه. ش، جنبش‌های سیاسی موجود در افغانستان اعم از چپ و راست، به گونه‌ی از یک نوع باور جهان وطنی حمایت می‌کردند. پس از کودتا به تدریج آن جنبش‌ها ماهیت سیاسی و ایدئولوژیک‌شان را از دست داده و بسیاری‌شان به جنبش‌های سیاسی و قومی تبدیل و آرام آرام هر کدام به شکل ابزار مداخله در دست قدرت‌های بزرگ جهانی و یا منطوقی قرار گرفتند. کشورهای ذی‌دخل در منازعه‌ی افغانستان، در جریان چهار دهه‌ی اخیر توانسته است با ایجاد جنبش‌های به ظاهر اعتقادی مذهبی، اقوام تأثیرگذار در عرصه مبارزات سیاسی را در محور جنبش‌های چندگانه‌ی دینی سازمان دهد.

## هفتادویک سال با سازمان ملل متحد



نظریاتی از صلح، تنها یکی از جنبه‌های تشکیلاتی کار سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهد. این سازمان در حوزه‌های مهم دیگری مانند امور اقتصادی، فرهنگی و آموزشی، حقوق بشر، کمک‌رسانی به قربانیان جنگ و رسیدگی به وضعیت پناهندگان و دیگر امورات تخصصی فعال است. سازمان ملل متحد همواره تلاش داشته با تأکید بر ضرورت همکاری‌های بین‌المللی، راه‌حلی‌هایی دراز مدت برای رویارویی با چالش‌هایی که جامعه‌ی بشری را تهدید می‌کند بیابد. از سال ۱۹۴۸، سازمان ملل متحد هر سال این روز، (تصویب اساس‌نامه و موجودیت این نهاد مهم بین‌المللی) را جشن گرفته است. مراسم بزرگ داشت این نهاد، به عنوان "روز جهانی ملل متحد" شناخته شده است. صفحه‌ی ۳

در روز ۲۴ اکتبر سال ۱۹۴۵ میلادی، اعضای دائمی شورای امنیت یعنی آمریکا، فرانسه، بریتانیا، و اتحاد جماهیر شوروی پیشین، اساس‌نامه‌ی سازمان ملل متحد را که در اوایل همان سال تدوین شده بود به تصویب رساندند. با تصویب این اساس‌نامه، سازمان ملل متحد، به عنوان قانونی بین‌المللی و به منظور حفظ صلح و امنیت جهانی رسماً پا به عرصه‌ی وجود نهاد. گفتنی است حوزه‌ی مسؤلیت و فعالیت‌های سازمان ملل متحد بسیار گسترده است و می‌توان گفت که این سازمان در بسیاری از نقاط جهان حضوری پر رنگ دارد. شاید شمار زیادی از مردم جهان، این سازمان را صرفن به عنوان یک نیروی حافظ صلح، و یا سازمانی که تلاش دارد از بروز اختلافات میان کشورها پیش‌گیری کند، بشناسند. اما

مریم مهتر





## پیرامون سفر رئیس اجرائیه به عربستان

در تصویر به نشر رسیده در رسانه‌ها، حضور دکتر عبدالله عبدالله، رئیس اجرائیه‌ی "حکومت وحدت ملی" و عطا محمد نور در کنار شاه عربستان سعودی و آن هم در محیطی کاملن دوستانه و عاری از هر گونه ژست و ادای مصنوعی یک امر کاملن غیرمعمول به نظر می‌رسد. کشور شاهی عربستان سعودی در جریان چهل سال اخیر هیچ‌گاه بدین گرمی و با برنامه از مقامات افغانی در آن کشور پذیرایی و استقبال نکرده است.

عربستان به لحاظ سیاسی در جریان قریب به چهار دهه‌ی اخیر مدام در کنار افراطیون جهادی، طالبان و مدافع امارت اسلامی و جنبش‌های تندرو سلفی و داعشی قرار داشته است. عربستان در جریان جهاد در کنار حزب اسلامی و در مخالفت با جمعیت اسلامی موضع گرفت. آن کشور در مقابل جبهه‌ی متحد از طالبان حمایت و در کنار پاکستان امارت اسلامی را به رسمیت شناخت. عربستان پیش از رویارویی مذهبی در عراق، سوریه، لیبی، بحرین و لبنان با ایران، قریب به یک دهه از یک نوع سیاست منفعل در منطقه حمایت می‌کرد. حضور پر رنگ ایران در منازعات منطقه‌ی، به ویژه پس از سقوط صدام حسین در عراق، جنگ سوریه و حضور داعش در خاورمیانه، عربستان را تشویق به پیش‌گیری سیاست فعال و تهاجمی کرد.

جمعیت اسلامی افغانستان که بر مبنای مشترکات لسانی و فرهنگی از متحدین طبیعی ایران در منطقه به شمار می‌رود، در جریان قریب به چهل سال اخیر مدام زیر فشار پول نفت، تندروی دینی و فشار سیاسی مقامات سعودی در عرصه‌ی منطقه و روابط بین‌المللی بوده است. در این روزها که تصاویر غنی در کنار نارندرا مودی و عبدالله عبدالله در کنار شاه عربستان سعودی و یا در کنار متحد طبیعی پاکستان در صفحات رسانه‌های چاپی و تصویری به نشر می‌رسد، حدس و گمانه‌زنی‌های مختلف را درون افکار و طبقات مختلف جامعه‌ی افغانستان برانگیخته است.

عربستان که هم‌اکنون از سیاست آشتی‌جویانه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا با ایران و روسیه در خاورمیانه، به نوعی مأیوس دیده می‌شود، آیا با نوازش بخشی از متحدین ایران و ایالات متحده در افغانستان می‌خواهد جبهه‌ی دیگری را علاوه بر طالبان در کنارش داشته باشد؟ آیا عربستان با از دست دادن عراق در هم‌جواری با ایران، در صدد جستجوی متحد دیگری در افغانستان است، تا پروژه‌ی مخالفت با ایران را از آن طریق دنبال نماید؟ آیا عربستان می‌خواهد از طریق تشویق دکتر عبدالله عبدالله و هیئت همراهش پروسه‌ی صلح به نفع حکمتیار و یا طالبان را کمک نماید؟ آیا آن کشور در مشوره با متحد منطقوی و جهانی‌اش (پاکستان و ایالات متحده) تصمیم به این دعوت گرفته است؟

اما مهم‌تر از همه پیش از این اشرف غنی، بار بار به عربستان سعودی سفر کرد ولی هیچ‌گاه در این حدودود مورد پذیرایی و استقبال گرم مقامات آن کشور قرار نگرفت. در این صورت آیا مقامات سعودی می‌خواهند با حمایت سپیدار و زنه‌ی سیاسی ریاست اجرائیه را در مقابل ارگ ریاست جمهوری سنگین ساخته و از وی حمایت نمایند؟

واضح‌ست که ریشه‌ی اجتماعی و وزنه‌ی سیاسی اشرف غنی نسبت به عبدالله، به ویژه در داخل کشور و حتا در منطقه بخصوص در نگاه روسیه، هند، پاکستان و ایران عمیق‌تر است. در این صورت ممکن است بار دیگر بخت با جمعیت و متحدین سیاسی‌اش یار گردیده و به گونه‌ی غیرقابل باور از جایگاه قابل توجه‌تری در سطح منطقه و روابط بین‌المللی برخوردار گردد. این وضعیت در حالی به راه افتاده که طالبان با وجود حملات پی‌هم روی مراکز ولایات و ولسوالی‌ها نتوانستند به پیروزی قابل توجهی دست یابند. توجه عربستان به رهبران جمعیت اسلامی خودبه‌خود، بی‌توجهی عربستان را نسبت به طالبان نشان داده و آن نیروی خشونت طلب را در سطح منطقه به انزوا می‌کشانند.

در هر حالت مردم افغانستان آرزومند است، تا رئیس اجرائیه و هیئت همراهش توانسته باشد، توجه کشور سعودی را در امر تأمین صلح در افغانستان، جلوگیری از توسعه‌ی تروریسم و ایجاد مناسبات حسنه با کابل جلب و بدون آن‌که افغانستان را بیشتر از این در گرو رقابت کشورهای منطقه قرار داده باشد، در راستای تأمین منافع ملی کلیه اقوام و ملیت‌های ساکن در این کشور با مقامات سعودی به تفاهم رسیده باشد.

# بازی با تروریسم افغانی

همسویی و ناهمسویی جامعه‌ی جهانی و کشورهای درگیر در منازعه‌ی افغانستان، در جریان سال جاری وارد فاز پیچیده‌ی گردید. در اوایل امسال بخشی از جامعه‌ی جهانی با امیدواری نسبت به همکاری پاکستان، در جریان چندین جلسه راهکارهای مختلف را به بررسی گرفتند.

شکست آن جلسات میان گروه هماهنگی چهار جانبه‌ی (افغانستان، پاکستان، ایالات متحده و چین) و به دنبال آن شکل‌گیری گروه سه جانبه‌ی (هند، افغانستان و ایالات متحده)، منازعه‌ی افغانستان را وارد مرحله‌ی حساس دیگر کرد.

افغانستان و ایالات متحده که با دلگرمی پس از مشارکت چین به همکاری پاکستان امیدوار گردیده بود، به زودی نسبت به نتایج آن مأیوس گردیده و به تشکیل گروه سه جانبه پرداخت. شکل‌گیری گروه سه جانبه، که در آن پاکستان به حاشیه زده شده بود، منجر به تشدید درگیری‌ها در کشور و در فرجام سقوط ولایت قندز، محاصره‌ی هلمند، فراه، ارزگان، بغلان و از دست رفتن چندین ولسوالی از دست دولت گردید.

در این اواخر مأیوسی ایالات متحده از همکاری پاکستان و همسویی اخیر آن با کشور هند، که پیش از این هیچ‌گاه تا این حدود هماهنگ نبودند، پاکستان را به شدت خشمگین ساخته است. تبارز این عصبیت که در داخل افغانستان به توسعه‌ی درگیری‌ها و در برون از کشور به تشدید حملات تندروان اسلامی، در کشمیر متعلق به هند و یا یکی از اضلاع گروه سه جانبه انجامید، به خوبی نشان داد که آن کشور خواهان حل منازعه‌ی کشمیر در کنار حل مسئله‌ی افغانستان بوده و این دو منازعه را دو روی یک ورق دانسته و از هم تفکیک نمی‌نماید.

پاکستان که با پرورش برگ برنده‌ی توسعه‌ی تندروی اسلامی هر دو کشور هند و افغانستان را به یک معضله‌ی پیچیده‌ی دچار کرده است، تلاش می‌کند تا با استفاده از فشار تندروی اسلامی، جامعه‌ی جهانی را نیز مجبور سازد تا با دادن امتیاز ویژه برای آن کشور، نسبت به حل هر دو منازعه از داعیه و یا برنامه‌ی پاکستان پیروی و یا حمایت نماید.

علاوه بر آن پاکستان در این اواخر، که گروه هماهنگی سه جانبه شکل گرفت، از ابراز فشار دیگر علیه جهان غرب که ایستادن در کنار روسیه است، به خوبی استفاده‌ی ابزاری نموده است. ایستادن پاکستان در کنار روسیه می‌تواند ایالات متحده را در افغانستان به همان چالش دچار سازد که اتحاد شوروی سابق در رویارویی با آن ناچار به نفع ایالات متحده به حاشیه رفت.

تندروی اسلامی که در جریان دهه‌ی ۱۸۸۰ به مثابه‌ی سلاح مبارزه علیه اتحاد شوروی سابق توسط جهان غرب به کار گرفته شد، هم اکنون در چرخش دیگر می‌تواند تحت مدیریت پاکستان رقبای جهانی اتحاد شوروی سابق را به چالش بزرگ دچار سازد. تندروی اسلامی که پس از قریب به چهار دهه بازی سیاسی با قدرت‌های بزرگ منطقوی و جهانی توانسته پایگاه اجتماعی‌اش را درون بسیاری اقوام و ملل استحکام بخشد، با درک ارزشش در مناسبات بین‌الملل، می‌تواند از تضادهای موجود به خوبی بهره‌برداری نماید.

در این بازی گاهی تندروان دینی به مثابه‌ی ابزار در دست قدرت‌های منطقوی و جهانی وسیله قرار می‌گیرد و زمانی هم تنش‌های موجود میان آن قدرت‌ها سبب می‌شود تا خود به گونه‌ی ابزار در دست تندروی دینی به مثابه‌ی وسیله استفاده گردد. در این میان تنها کشوری که توانسته کمتر وسیله قرار گیرد و بیشتر آن را وسیله قرار دهد، کشور پاکستان است. پاکستان در جریان دهه‌ی ۱۹۷۰ از

تندروی دینی در مقابله با مطالبات تجزیه‌طلبانه‌ی قومی استفاده‌ی ابزاری را علیه داوودخان آغاز و آن را برضد کودتاچیان ۷ ثور صیقل و با گسیل طالبان و پرورش القاعده با آن شمشیر دو دمه، در جریان ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ کابوس واقعی را برای جهان غرب ایجاد و پس از کنفرانس بن اول با راه اندازی بازی موش و گربه، به شکل ابزار ایدای از آن علیه پروسه‌ی "دولت ملت سازی" در افغانستان و کشمیر در هندوستان توانسته به خوبی کارایی‌اش را با قدرت تمام تثبیت نماید.

پاکستان در این بازی توانسته نوعی از تندروی دینی را با روی‌کرد مطالبات قومی هماهنگ و آن را به شکل جنبش ملی قومی میان پشتون‌ها تثبیت و این جامعه را در محور آن مطالبه به عنوان ابزار فشار علیه رقبایش در منطقه زیر مدیریت قرار دهد. در این میان حکومت افغانستان و متحدین منطقوی و جهانی‌اش نیز نمی‌تواند دست زیر الاشه، در مقابله با این چالش تنها به ابزار دفاع نظامی تکیه نماید.

افغانستان و هم‌پیمانان برونی‌اش ناگزیر است تا در مقابل داعیه‌ی تندروی دینی، مطالبات قومی اقوام غیرحاکم در این کشور را مورد نوازش قرار داده و از آن به مثابه‌ی ابزار فشار در سطوح بالا علیه آن کشور استفاده نماید. در این صورت هر دو داعیه (داعیه‌ی حکومت جهانی دینی و ادعای خودمختاری محلی و یا استقلال) که بخشی از مطالبات مردمان ساکن در جغرافیای این دو کشور است، خود به خود در دست قدرت‌های منطقوی و جهانی ابزار و وسیله قرار گرفته و از ماهیت ذاتی‌اش فاصله می‌گیرد. در این صورت این وضعیت به معنای مرگ ارزش‌ها و سیاست به انزوا رفتن مردم و مطالبات مردم به حساب آمده و جنگ نیابتی کماکان ادامه می‌یابد.

**تندروی اسلامی که در جریان دهه‌ی ۱۸۸۰ به مثابه‌ی سلاح مبارزه علیه اتحاد شوروی سابق توسط جهان غرب به کار گرفته شد، هم**

**اکنون در چرخش دیگر می‌تواند تحت مدیریت پاکستان رقبای جهانی اتحاد شوروی سابق را به چالش بزرگ دچار سازد. تندروی**

**اسلامی که پس از قریب به چهار دهه بازی سیاسی با قدرت‌های بزرگ منطقوی و جهانی توانسته پایگاه اجتماعی‌اش را درون بسیاری**

**اقوام و ملل استحکام بخشد، با درک ارزشش در مناسبات بین‌الملل، می‌تواند از تضادهای موجود به خوبی بهره‌برداری نماید.**

**در این بازی گاهی تندروان دینی به مثابه‌ی ابزار در دست قدرت‌های منطقوی و جهانی وسیله قرار می‌گیرد و زمانی هم تنش‌های**

**موجود میان آن قدرت‌ها سبب می‌شود تا خود به گونه‌ی ابزار در دست تندروی دینی به مثابه‌ی وسیله استفاده گردد. در این میان تنها**

**کشوری که توانسته کمتر وسیله قرار گیرد و بیشتر آن را وسیله قرار دهد، کشور پاکستان است. پاکستان در جریان دهه‌ی ۱۹۷۰ از**

**تندروی دینی در مقابله با مطالبات تجزیه‌طلبانه‌ی قومی استفاده‌ی ابزاری را علیه داوودخان آغاز و آن را برضد کودتاچیان ۷ ثور**

**صیقل و با گسیل طالبان و پرورش القاعده با آن شمشیر دو دمه، در جریان ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ کابوس واقعی را برای جهان غرب**

**ایجاد و پس از کنفرانس بن اول با راه اندازی بازی موش و گربه، به شکل ابزار ایدای از آن علیه پروسه‌ی "دولت ملت سازی" در**

**افغانستان و کشمیر در هندوستان توانسته به خوبی کارایی‌اش را با قدرت تمام تثبیت نماید.**

## هفتادویک سال با...

افغانستان در تاریخ نهم نوامبر سال ۱۹۴۶ عضویت این سازمان را بدست آورد. دولت وقت کابل با توجه به مفاد منشور سازمان ملل که گویای اهداف وجودی این سازمان است، برای نخستین بار "محمد کبیر لودین" را در سال ۱۹۴۹ به عنوان نماینده دایمی افغانستان به دفتر مرکزی سازمان ملل در نیویورک معرفی کرد. پس از آن "عبدالحمید عزیز"، "عبدالرحمان پژواک"، "بسم الله سهاک"، "فرید ظریف"، "شاه محمد دوست"، "نوراحمد نور"، "خدایداد بشرمل"، "روان فرهادی" و "ظاهر طنین" به ترتیب از سال ۱۹۵۰ تاکنون نماینده دایمی کابل در سازمان ملل بوده‌اند.

فعالیت‌های سازمان ملل در افغانستان در ۱۵ سال اخیر به طور ذیل است: نخست، حمایت از انتخابات افغانستان از جمله انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی سال ۲۰۱۴. دوم، حمایت از تلاش‌های دولت افغانستان برای تقویت پایداری، فراگیری و جامع بودن روند انتخابات. طوری‌که همه آگاهید در سال ۲۰۱۴ انتخابات به دور دوم کشیده شد، در این میان، سازمان ملل متحد تلاش کرد تا میان ۲ کاندیدا توافقی برای تشکیل دولت مشترک ایجاد نماید تا این‌که با رایزنی‌های بسیار و با پا درمیان‌ی وزیر امور خارجه‌ی آمریکا "حکومت وحدت ملی" در افغانستان تشکیل شد.

در این اواخر دفتر معاونت سازمان ملل متحد با بهره‌گیری از مفاد ماده اول منشور این سازمان که بیان‌گر اهداف عمومی آن در سراسر جهان است، اعلام کرد که از روند صلح دولت کابل توسط افغان‌ها و به رهبری افغان‌ها از مجرای برنامه‌ی صلح حمایت می‌کند. این در حالی‌ست که نامی‌ها و کشتار غیرنظامیان در گوشه و کنار افغانستان افزایش یافته و سایه‌ی ناامنی‌ها به صورت روزافزونی قلمرو این کشور را فراگرفته است. دولت پیشین افغانستان به رهبری "حامد کرزی" در ادامه‌ی تلاش‌های آغاز مذاکره با طالبان از سازمان ملل و آمریکا درخواست همکاری کرد اما این نهاد بین‌المللی و واشنگتن به درخواست‌های دولت افغانستان بی‌توجهی نشان دادند. بالاخره توافق‌نامه‌ی صلح میان افغانستان و هیئت مذاکره کننده‌ی حزب اسلامی اول میزان ۱۳۹۵ مطابق ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۶ امضا شد. یکی از شرایطی که در این توافق‌نامه ذکر شده است، برطرف کردن نام حکمتیار و باقی اعضای حزب اسلامی از لیست

سیاه سازمان ملل و آمریکا است، در حالی که اسم حکمتیار سال‌هاست که در لیست سیاه سازمان ملل و دولت آمریکا گنجانیده شده و دولت آمریکا بر سر او جایزه تعیین کرده است.

سازمان ملل از همکاری‌های منطقه‌یی در افغانستان حمایت نموده و تأکید کرده که دولت کابل باید در ایفای نقش خود در قلب آسیا جهت توسعه‌ی همکاری‌های منطقه‌یی فعال شود. با توجه به افزایش مخالفت‌ها میان دولت‌های کابل و اسلام‌آباد و تشدید بحران تروریسم در مرزهای دو کشور و همچنین لانه‌سازی تروریست‌ها در خاک افغانستان و پاکستان نقش همکاری منطقه‌یی از مسیر افغانستان کمرنگ به نظر می‌رسد. پس از آن‌که تنش‌ها و سردی روابط میان دولت‌های کابل و اسلام‌آباد از ۵ سال پیش تاکنون بر سر لانه‌های تروریست و همچنین حمایت از تروریسم جریان دارد، سازمان ملل برای حل این تنش‌ها و مخالفت‌ها تاکنون اقدامی عملی نکرده است.

یکی دیگر از اقدامات سازمان ملل در افغانستان حمایت از حقوق بشر در قالب کمیسیون حقوق بشر و نهادهای غیردولتی و بین‌المللی در افغانستان بوده است. سازمان ملل در ۱۵ سال حضورش در افغانستان نتوانسته جلوی کشته شدن افراد غیرنظامی در نبردهای سبک و سنگین نظامیان خارجی و نیروهای افغان با شبه‌نظامیان طالبان را بگیرد، بلکه این امر رو به افزایش است. از سوی دیگر ده‌ها نوع خشونت دیگر مانند خودکشی‌ها بر اثر مشکلات گوناگون، خشونت علیه زنان و حضور کودکان در صفوف جنگ در جریان این سال‌ها در افغانستان رنگ و رخ تازه‌یی یافته که با هیچ واکنش عملی از سوی سازمان ملل و همچنین اکثر نهادهای زیر مجموعه‌ی این سازمان رو به رو نشده است.

یکی دیگر از اهداف سازمان ملل توسعه افغانستان در سطح جهان و همچنان مبارزه با تولید، قاچاق و مصرف مواد مخدر در کشور است که هنوز هیچ اقدام عملی در این راستا از سوی این سازمان صورت نگرفته است. با توجه به اهداف سازمان ملل متحد در تمام کشورها که سبب پیوستن افغانستان به این نهاد بین‌المللی شد می‌توان گفت، اهداف این سازمان نه تنها در این کشور جنبه‌ی اجرایی به خود نگرفته بلکه به صورت یک شعار باقی مانده است. در آخرین گزارشی که بخاطر حمله‌ی دوم اسد بر راهپیمایی مدنی مردم برای حقی‌طلبی، از سوی این سازمان نشر شده، این حمله را نقض آشکار حقوق بشر خوانده و

## پیرامون جنبش‌های سیاسی...

مسئله‌ی ملی یک نوع نگرش عدالت‌خواهانه و فراقومی را نمایندگی کرده‌اند.

حزب وحدت اسلامی که در جریان دهه‌ی ۱۹۹۰ توسط دسته‌های روحانی جامعه‌ی هزاره بنیان‌گذاری گردید به زودی پس از سقوط حاکمیت زاده اشغال کشور، با برافراشتن مطالبات قومی‌اش با صراحت‌تر از دیگر اقوام، سیاست حاکم را مورد نقد قرار داد. این جامعه به ویژه پس از موضوع گروگان‌گیری ۳۱ نفر به تاریخ ۴ حوت ۱۳۹۳ و بیستم عقرب سال ۱۳۹۴ و ۲ اسد سال جاری در تپوتاب یک نوع تصمیم‌بی‌پیشینه‌ی دیگر دچار است، که تاکنون نتوانسته مشی مدون و برنامه‌ی استراتژی‌یک کارشان را در یک سند نهایی ارائه نمایند. ولی در ظاهر قضیه، سنت‌گرایان دینی آن جامعه که در چوکات چهار شاخه حزب وحدت اسلامی خود را سازمان داده‌اند، در ساحتی رسمی تا هنوز از این جامعه نمایندگی می‌کنند.

این چهار ساختار سیاسی مذهبی که در این روزها به شدت زیر فشار نیروهای نوگرایی این جامعه قرار دارند، ناگزیرند یا با پافشاری روی داعیه‌شان هم‌چنان خود را در حاشیه برانند و یا با قبول مطالبات نسل نوگرا، مشی‌شان را مطابق نیاز تاریخی تغییر داده و خود را با این موج هماهنگ سازند.

به گمان این قلم پس از شکست داعشی‌ها، در سوریه و

گفته که ممکن است این حمله یک جنایت جنگی شمرده شود. در این گزارش حرف قابل توجهی نیامده است و به صورت مشخص بر موضع دولت که گفته است، این حمله کار افراد گروه داعش بوده تأکید ورزیده است.

هفتاد سال از عضویت افغانستان در سازمان ملل می‌گذرد و افغانستان سال گذشته برای سومین بار به مدت سه سال از ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ عضویت شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل را بدست آورد. افغانستان دو بار دیگر در سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۱ و ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ نیز در این شورا عضویت داشته است.

پیشینه‌ی تاریخی این روز: پایه‌های اصلی "جامعه‌ی ملل" با امضای پیمان ورسای ریخته شد. معاهده‌ی ورسای که در روز ۲۸ جون ۱۹۱۹ در شهر ورسای فرانسه، میان نیروهای متخاصم امضا شد، یکی از پیمان‌هایی بود که سرانجام موجب خاتمه‌ی جنگ جهانی اول شد. فکر بنیان نهادن سازمان ملل متحد در آخرین سال‌های جنگ جهانی دوم مطرح شد. این فکر با برگزاری کنفرانس بین‌المللی در روز ۲۵ اپریل ۱۹۴۵ در شهر سان فرانسیسکو به بار نشست. سازمان ملل متحد رسمن در روز ۲۴ اکتوبر همان سال و پس از تصویب اساسنامه‌ی این نهاد تأسیس گردید.

به تاریخ ۲۴ اکتوبر سال ۲۰۱۱ باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا با صدور بیانیه‌ی این روز را به عنوان "روز جهانی ملل متحد" به رسمیت شناخت. وی گفت که سازمان ملل به عنوان وسیله‌ی برای پیشرفت انسانی ظاهر گردیده و وظیفه‌ی آن التیام بخشیدن جراحات ناشی از جنگ جهانی دوم، ترجیح صلح بر هرج و مرج و ریختن شالوده‌ی همکاری جهانی براساس هدف‌های مشترک است.

دبیر کلی بان کی مون اهل کوریای جنوبی در اواخر سال ۲۰۱۶ پس از دو دوره به پایان رسید و شورای امنیت سازمان ملل متحد به تاریخ ۶ اکتوبر ۲۰۱۶ رسمن "آنتونیو گوتریس" را برای تصدی سازمان ملل نامزد کرد. "آنتونیو گوتریس" یکی از شهروندان کشور پرتگال بوده که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲ نخست وزیر پرتگال، از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ رئیس سازمان جهانی سوسیالیست‌ها و از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ به سمت کمیشنر عالی امور پناهندگان سازمان ملل منصوب شد.

منابع: وبلاگ فارسی وزارت امور خارجه آمریکا، شبکه‌ی خبری العالم، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد و خبرگزاری فارس

## برگی از تاریخ

### تصوّرات امریکایی

"سیاست ایالات متحده بیش از حد بر تصورات غلط استوار بود. وقتی من در سال ۱۹۹۴ برای اولین بار بعد از ظهور طالبان در سفارت ایالات متحده در اسلام‌آباد با دیپلمات‌های این کشور صحبت می‌کردم، آنها شیفته‌ی طالبان بودند. طالبان به گروهی از دیپلمات‌های امریکایی، به هنگام دیدارشان از قندهار گفته بودند که با ایران و با حضور تمام خارجیانی که در افغانستان باقی مانده‌اند، از جمله عرب-افغان‌ها، مخالفند؛ کشت خشخاش و تولید هیروئین را کنترل خواهند کرد؛ و خود زمام قدرت یا حکومت را در کشور به دست نخواهند گرفت. بعضی از دیپلمات‌های ایالات متحده آنان را نیکوکاران مسیحایی یا چون مسیحیان تازه تولد یافته‌یی می‌دانستند که دوباره از مادر مسیحیت امریکایی زاده شده‌اند. دیپلمات‌های امریکایی معتقد بودند که طالبان اهداف اساسی این کشور را در افغانستان برآورده خواهند کرد؛ یعنی تولید مواد مخدر را متوقف کرده و این جانیان را از بین خواهند برد. یک دیپلمات می‌گوید: کاملن واضح است که این چشم داشت ساده‌لوحانه از خاستگاه اجتماعی طالبان و نیز از این امر ناشی شده بود که خود طالبان نمی‌دانستند که نماینده‌ی چه قشر یا اقشاری از جامعه هستند و آیا قدرت دولت را می‌خواهند یا خیر.

بعد از آن که طالبان در سال ۱۹۹۵ هرات را تصرف نموده و هزاران دختر را از مدارس اخراج کردند، واشنگتن دم برنیاورد. در واقع آمریکا و آی.اس.آی سقوط هرات را عامل تقویت یونوکال و تنگ شدن حلقه محاصره‌ی ایران تلقی کردند. هدف واشنگتن از به کارگیری طالبان برای محاصره کردن ایران کاملن کوتاه‌بینانه بود؛ زیرا برای این هدف لازم بود ایران را علیه پاکستان، سنی را علیه شیعه و پشتون را علیه غیرپشتون برانگیزد. "بارنت روبین" می‌نویسد: "سیاست به انزوا کشیدن ایران، قطع نظر از این‌که چه دستاوردی داشت، باعث ناتوانی ایالات متحده در مبارزه علیه تروریسم در افغانستان شد." ایران که از قبل نسبت به توطئه‌ی سیا علیه خودش مظنون بود، از یک سو به تلاش‌هایش برای افشای حمایت سیا از طالبان شدت بخشید و از سوی دیگر حمایت‌های تسلیحاتی‌اش را از اتحاد ضد طالبان افزایش داد. یک دیپلمات ایرانی می‌گوید: "سیاست ایالات متحده ما را مجبور می‌کند تا بر ضد پاکستان، عربستان و طالبان، به روسیه و اتحاد ضد طالبان بپیوندیم."

وقتی طالبان در سپتامبر ۱۹۹۶ کابل را تسخیر کردند، سیا مجدداً مجدوب تحلیل‌های آی.اس.آی شد و پذیرفت که آن‌ها می‌توانند تمام کشور را فتح کنند و پروژه‌ی یونوکال به ثمر برسد. آمریکا درباره‌ی بدرفتاری طالبان با زنان و افزایش جنگ سکوت اختیار کرد. خانم رافل در ماه نوامبر با اصرار از تمام کشورها خواست تا با طالبان ارتباط برقرار کنند و آن‌ها را در انزوا قرار ندهند. رافل اظهار داشت: "طالبان بیش از دو سوم کشور را تحت کنترل دارند، آن‌ها افغان و از مردم بومی این کشورند و توانایی‌شان را نشان داده‌اند. عامل واقعی موفقیت آن‌ها این است که بسیاری از افغان‌ها، به خصوص پشتون‌ها به طور کلی حاضرند که در برابر قطع جنگ بی‌پایان و دست‌یابی به حدی از صلح و امنیت، حتا محدودیت‌های سخت اجتماعی را تحمل کنند. به نفع افغانستان و جهان نیست که طالبان را در انزوا قرار دهیم.

چندین مفسر امریکایی به عدم ثبات سیاست آمریکا در این برهه اشاره کرده‌اند: "اگرچه ایالات متحده در گفتار مخالفت خود را با نقض جاری حقوق بشر نشان داده است، اما در قبال افغانستان سیاست روشنی نداشته و موضع استوار و صریحی در برابر مداخله‌ی دوستان و هم‌پیمانان پیشین خود -عربستان سعودی و پاکستان- در این کشور اتخاذ نکرد. طالبان به وسیله‌ی کمک‌های نقدی و غیرنقدی این دو کشور توانستند کابل را تسخیر کنند."

منبع: طالبان، نویسنده: احمد رشید، مترجمان: اسدالله شفاپی و صادق مدبری، چاپ سپهر، سال چاپ: ۱۳۹۰، صص ۲۷۵ و ۲۷۶



- تنها "گپ مردم" بازتاب‌دهنده‌ی موضع‌گیری رسمی نشریه است و مسئولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.
- "صدای مردم افغانستان"، از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند. اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیس‌بوک: <https://www.facebook.com/sadaaym>  
 آدرس دفتر: کابل، کارته ۳، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

**مدیر مسئول**  
 عبدالخالق آزاد  
 شماره‌ی تماس: ۰۷۹۸۵۷۷۸۰۸  
**سر‌دبیر**  
 بارز بهمن  
 شماره‌ی تماس: ۰۷۰۰۷۵۷۸۸۲  
 ایمیل: [sadaaym@gmail.com](mailto:sadaaym@gmail.com)  
**زیر نظر شورای نویسندگان**

سال سوم، یکشنبه، ۲ عقرب ۱۳۹۵ هجری خورشیدی، ۲۳ اکتوبر ۲۰۱۶ میلادی

شماره‌ی ۱۰۴

توغل

نقد اجتماعی

## ندای خاموش طفل آواره

طالب حسین صمیم

گل‌های سرزمین آریانی کهن را گلدان بیگانه جای نمی‌دهد. گلستان افسانوی پنج هزارساله‌ی ما، خارزار و سوزان گشته است. قهر دریاها، فصل نابودی لاله‌های آواره را در خود می‌پروراند. نهنک‌ها از طعمه‌های هر شب و روزش شادی دارند. اما، گفتگوی پسر بچه‌ی مهاجر را با پدرش از لابلای تصویر شنیدم که می‌پرسید: من نمی‌دانم چه خبر است؟ آیا بچه‌های اشرف غنی و عبدالله نیز از دنبال ما می‌آیند؟ ما طاقت گرسنگی را داریم و هم چنان می‌توانیم روی سیمان سخت کمپ‌ها بخوابیم، آیا بچه‌های اشرف غنی و عبدالله این کار را می‌توانند؟ چون آن‌ها بچه‌های نازانند! آیا کسی از پشت این میله‌ها و سیم‌های خاردار کمپ‌ها ما را می‌بیند؟ آیا کسی غرش ترسانک امواج آب‌ها را در کابل می‌شنود؟

پدر: نه عزیزم! سوالات تو را کسی پاسخ نمی‌دهد. هیچ کسی تو را از کابل نمی‌بیند. بچه‌های اشرف غنی و عبدالله هم از دنبال تو نمی‌آیند. تو فرزند فراموش شده‌ی مادر افغانی هستی که بهای تو دولت کابل را تأمین می‌کند. آن‌ها کباب و فانتا زیاد دارند و کسی از میان آنان، متوجه گرسنگی و تشنگی‌های یک مهاجر مانند تو نمی‌شوند. پدر جان! اگر ما را از این کمپ‌ها اخراج کنند کجا برویم؟ راه خشکه است که برگردیم؟ من دیگر راهی دریا نمی‌شوم چون ممکن است غرق شوم! پدر جان من از این زندگی خسته‌ام! چاقو است؟ پدر جان یک دانه چاقو بدهید که خودم را بکشم! در ارتباط به: (یک پسر سیزده ساله و دخترپانزده ساله که در کمپ دست به خودکشی زده‌اند).

مقامات سازمان عفو بین‌الملل از بازداشت‌گاه پناهجویان در نائورو انتقاد دارند. این سازمان، بازداشتگاه‌های نائورو را، که هیچ امکانات بهداشتی و درمانی ندارند، و اقدام به خودکشی در میان اطفال رایج است، محکوم کرده است.

اقدام به خودکشی توسط کودکان امری عادی شده است که از جمله یک پسر سیزده ساله چندین بار اقدام به خودکشی را با چاقو و حتا غرق کردن خود در اقیانوس کرده است. یک دختر پانزده ساله که دوبار اقدام به خودکشی کرده است، می‌گوید که «از زندگی خسته شده است».

کشوری که بیش از پانزده سال، محراق سرازیر شدن کمک‌های مالی از طرف کشورهای دונر در خصوص حکومت‌داری خوب، تأمین امنیت و ارائه‌ی خدمات بهتر برای شهروندان بود، اکنون این شهروندان علی‌رغم که تعدادشان به کام نهنک‌ها رفتند، بقیه‌شان با کودکان خود آواره‌اند و تلخ‌ترین شرایط زندگی را در کمپ‌ها تجربه می‌کنند. اختطاری‌های اخراج اجباری را می‌شنوند. این‌ها همه بازدهی پالیسی سیاسیون افغانستان است که به عنوان یک پدیده‌ی شوم اجتماعی در جامعه‌ی افغانستان پدیدار می‌شود.

پول‌های بادآورده شده که در بازی‌های قمارگونه سیاست‌های ناسالم باخته شد، فقر عجیب شده در زندگی انسان افغانی را بیشتر ساخت.

راه فرار از عمق فاجعه همان مهاجرت بود که اکنون این راه نیز به بن‌بست رسیده است. کشوری که می‌تواند بیش از صد میلیون نفوس را در خود جای دهد، از عدم مدیریت سالم، با سی میلیون نفوس تقریبی‌اش مشکل داشته و در فقر و دربه‌دردی به سر می‌برد.

پانزده سال حکومت‌داری ناکام در تاریخ نوشته خواهد شد. قضاوت‌های عادلانه از این تاریخ، هزاران نفر را به سازندگان آن خواهد فرستاد؛ زیرا تاریخ همان صحنه‌های نقش‌آفرینی انسان است که پالیسی‌سازان معاصر افغانستان از آن صحنه‌های فاجعه‌آفرینی را ساخته است. اوضاع کنونی جامعه‌ی افغانستان، تاریخ فردای این کشور است که چهره‌های زشت سازندگان شرایط موجود راه از درونش برای نسل فردا متبلور خواهد کرد.



دارند، به شدت توسعه خواهد داد. تاریخ منازعات خونین قومی و اعتقادی بار بار نشان داده که سرنوشت آن منازعات یا به سناریوی جریان دهه‌ی ۱۹۹۰ در افغانستان و یا به منازعه‌ی خونین بالکان پس از فروپاشی اتحاد شوروی سابق و یا یوگوسلاوی آن سال‌ها و یا به خشونت بی‌پیشینه‌ی جاری در عراق، سوریه و یا یمن منجر می‌شود. از جانب دیگر به هر اندازه منازعات توسعه یابد، به همان سطح استفاده از شیوه‌های خشونت‌آمیز و بهره‌گیری از ابزار کشتار و مرگ‌آور هم افزایش یافته و هر دو جانب قضیه را آسیب‌پذیر می‌سازد. اگر به دو دهه‌ی پیش برگردیم، پس از سقوط حاکمیت باقی مانده از تهاجم اتحاد شوروی هیچ‌کسی باور نداشت، کابل دست نخورده، به یک شبه تبدیل به میدان منازعه میان رهبران به ظاهر دینی، اما در اساس قومی گردیده و در جریان یک سال به خرابه‌ی هولناک و مرگ‌آور تبدیل و ساکنان بی‌دفاعش شاهد از دست رفتن هزاران شهید و مجروح و یا مجبور به از دست دادن همه‌ی دار و ندار زندگی‌شان شوند.

منازعه‌ی خونین عراق، سوریه و یمن کنونی را حتا کارشناسان و برنامه‌ریزان اصلی آن سناریوی خونین هیچ‌گاه بدین وسعت پیش‌بینی نمی‌توانستند. جنگ جهانی اول که اساس آن بر تقسیم جهان میان قدرت‌های بزرگ ریشه داشت، جرقه‌ی آتش آن منازعه از مقاومت استقلال‌طلبان صربستان، که مشخص بر مبنای مطالبات قومی علیه امپراطوری اتریش سازمان دست‌های سیاه را بنیاد نهاده بود، روشن گردیده ولی ادامه‌ی آن جریان در سال‌های اخیر جنگ جهانی اول به عمر چند امپراطوری با پیشینه پایان داد. اگر حاکمیت سیاسی افغانستان کنونی را همانند امپراطوری‌های در حال زوال آن عهد به بررسی بگیریم و روند جاری در کشور را با آن سنگ محک ارزیابی نماییم، منازعه‌ی پیچیده‌ی که هم‌اکنون زیر پوست جامعه و پنهان از دید توده‌های عوام جریان دارد، تا جایی به منازعه‌ی میان جرمن‌ها و مجارهای هم‌پیمان در امپراطوری اتریش که در رأس قدرت قرار داشتند از یک طرف و مقاومت صرب‌ها، بوسنیایی‌ها، مقدونی‌ها، البانی‌ها، هرزگوینی‌ها و دیگر گروه‌های کوچک قومی شامل در امپراطوری اتریش از جانب دیگر کامل شبیه به نظر می‌رسد.

ادامه دارد...

سرحدات جنوب به آن ولایت وارد می‌گردند و یا در بسیاری ولسوالی‌های هم‌تبار با جنوب، که در ولایات بادغیس، فاریاب و دیگر نقاط به خشونت دامن می‌زنند. بخش‌های زیاد از آن گمانه‌زنی‌ها را تأیید می‌نماید. در این اواخر به روشنی دیده می‌شود که اوضاع پیچیده‌تر از پیش گردیده و یقین پس از شکست داعشی‌ها، در عراق و سوریه و احتمال ورود گروهی آنان به شمال و جنوب کشور خشونت افزایش یافته و مردم افغانستان ناچار است، تا تجربه‌ی خونین دور دیگر از خشونت و تروریزم را بر مبنای ناگذیری و تحمیل این پدیده از برون تحمل نمایند. بدبختانه تجربه‌ی تلخ و خون‌بار این کشور نشان می‌دهد که در دقایق خطیر تاریخ این سرزمین تنش‌ها شکل قومی گرفته و آدرس‌ها، دقیق بر محور رهبری ساختارهای قومی و حتا بدتر از آن بر اساس آدرس رهبران قبیله‌ی اقوام عیار می‌گردند.

در این صورت گرایشات سیاسی و یا ایدئولوژیک هم از آن رنگ بی‌بهره نمانده و این‌گونه گرایشات به پوشش کذایی و دروغینی تبدیل می‌شود، که اغراض عقب‌مانده و منحن قبیله‌ی توسط آن استتار می‌شود.

استتار باورهای قبیله‌ی با هاله‌ی از اعتقادات دینی می‌تواند ابعاد خشونت را تا بی‌نهایت توسعه داده و عاملان عوام آن را به تحریک عصیبت بیشتر تشویق و در نتیجه خواهی نخواهی بستر بی‌دفاع اجتماعات غیرهمخون را سخت آسیب‌پذیر گردانیده و در آن میان به ویژه رنج و مرارت زنان، کودکان و سالخوردگان را که نه دست ستیز و نه پای گریز

رخدادهای جریان دو سال اخیر، به ویژه در هلمند، ارزگان، قندز، فراه، ننگرهار و حتا بدخشان، که گروه‌های تروریست از چترال و دیگر نواحی سرحدات جنوب به آن ولایت وارد می‌گردند و یا در بسیاری ولسوالی‌های هم‌تبار با جنوب، که در ولایات بادغیس، فاریاب و دیگر نقاط به خشونت دامن می‌زنند. بخش‌های زیاد از آن گمانه‌زنی‌ها را تأیید می‌نماید. در این اواخر به روشنی دیده می‌شود که اوضاع پیچیده‌تر از پیش گردیده و یقین پس از شکست داعشی‌ها، در عراق و سوریه و احتمال ورود گروهی آنان به شمال و جنوب کشور خشونت افزایش یافته و مردم افغانستان ناچار است، تا تجربه‌ی خونین دور دیگر از خشونت و تروریزم را بر مبنای ناگذیری و تحمیل این پدیده از برون تحمل نمایند. بدبختانه تجربه‌ی تلخ و خون‌بار این کشور نشان می‌دهد که در دقایق خطیر تاریخ این سرزمین تنش‌ها شکل قومی گرفته و آدرس‌ها، دقیق بر محور رهبری ساختارهای قومی و حتا بدتر از آن بر اساس آدرس رهبران قبیله‌ی اقوام عیار می‌گردند.